نوسازی سیاسی در کلام امام علی (ع)

سلیمان نژاد، عباس

نو سازی سیاسی از جمله مقوله‏هایی است که‏ مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفته‏ است.آنها نوسازی را فرایند گذار از جامعه سنتی‏ به جامعه‏ای نوین دانسته‏اند.

در این پژوهش نخست با ارائه تعریفی از مفهوم‏ نوسازی سیاسی،ویژگیهای جوامع در حال‏ نوسازی تبیین شده است.در ادامه وضعیت سیاسی‏ و اجتماعی مسلمین از زمان ظهور اسلام تا دوره‏ خلفا(سه خلیفه اول)مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

با ترسیم ویژگیهای سیاسی و اجتماعی جامعه‏ مسلمین،در آستانه خلافت امام(ع)نظریات‏ سیاسی امام علی(ع)در باب حکومت مطرح شده‏ است.

با توجه به مفهوم نوسازی سیاسی از دیدگاه‏ نظریه پردازان علوم سیاسی،به این نکته پرداخته‏ شده که آیا امام علی(ع)در نظراتشان،نوسازی‏ سیاسی را طرح کرده‏اند یا آن که دیدگاه‏های آن امام‏ همام،سنخیتی با این نوع نظریات نداشته است.

نوسازی سیاسی مقوله‏ای است که در قرن اخیر در قالب علمی مطرح شده است و عده‏ای از دانشمندان علوم سیاسی پیرامون آن نظریاتی ارائه‏ داده‏اند.نوسازی یک فراگرد چند بعدی است که‏ به دگرگونی در همه زمینه‏های اندیشه و فعالیت‏ انسانی نیاز دارد.(1)

نوسازی سیاسی یکی از ابعاد نوسازی‏ می‏باشد.نوسازی سیاسی را باید حرکت از جامعه‏ سنتی به جامعه نوین دانست.دگرگون سازی‏ ارزش‏های سنتی و الگوهای رفتاری،گسترش‏ دامنه وفاداریها از خانواده،دهکده و قبیله به ملت، عقلایی کردن ساختار اقتدار،جایگزین سازی‏ معیارهای دستاوردی به جای معیارهای انتسابی و روی آوردن به یک نظام برابرانه توزیع منابع مادی، از جمله شرایط نوسازی سیاسی محسوب‏ می‏شوند.(2)

همچنین دانشمندان علوم سیاسی بیشتر به رابطه‏ مسایل ساختمان ملت و حکومت پس از آغاز نوسازی توجه می‏کنند.علاقه آنان معطوف به‏ روش‏هایی است که توسط حکومت‏ها برای‏ افزودن بر ظرفیت ابداع،تطبیق خود یا تغییر و تعیین‏ مشی سیاسی جامعه به کار برده می‏شود.(3)از این‏ رو هدف اصلی از ورود به این فرایند،افزایش‏ ظرفیت نظام برای پاسخگویی مناسب‏تر نسبت به‏ تقاضاهای فزاینده جامعه می‏باشد.در این راستا فرضیه اولیه بر این استوار است که جامعه از پویایی‏ و دینامیزم کافی برخوردار است و لذا نظام‏ می‏بایستی قادر باشد با بهره‏گیری از قابلیت موجود تصمیماتی را اتخاذ و به مورد اجرا بگذارد که با وضعیت دگرگون شونده محیط داخلی تطابق داشته‏ باشد.(4)همچنانکه پیش از این خاطر نشان ساختیم‏ نوسازی سیاسی،مقوله‏ای جدید در علم سیاست‏ است.لیکن نوسازی پدیده‏ای مختص به قرن بیستم‏ نیست.بزرگمردانی در تاریخ بر آن شدند که‏ ساختارها و الگوهای جدیدی را طرح کنند و محیط پیرامون خود را متحول سازند.امام علی(ع)در دوره حکمرانی خویش اندیشه‏های نوینی را طرح و اجرا کردند که ساختار نظام سیاسی سنتی زمانش را به چالش طلبید.

اوضاع سیاسی و اجتماعی مسلمین تا آغاز خلافت امام علی(ع)

پیش از ظهور اسلام،اعراب بدوی تابع‏ حکومتی نبودند و نظم سیاسی نداشتند و اساس‏ ملیت و جامعه آنان را قبیله تشکیل می‏داد.قبیله‏ مجموع چند خانواده و خویشاوند بود که تحت‏ ریاست شیخ قبیله که معمولا از کهنسال‏ترین افراد قبیله بود،به سر می‏بردند.قبیله واحد مستقلی بود که می‏بایست در همه چیز به خود متکی باشد،چون‏ تمام اقوام و قبایل دیگر اصولا بیگانه به شمار می‏رفتند و هیچگونه حق و احترامی از نظر افراد این قبیله نداشتند و غارت اموال و کشتن افراد و دزدیدن و ربودن زنان را جزء حقوق خود قلمداد می‏کردند مگر این که آنان با قبیله‏ای پیمانی داشته‏ باشند که آن هم معمولا دیری نمی‏پایید.همانطور که پیش از این خاطر نشان ساختیم،رهبری قبیله بر عهده شیخ قبیله بود.ریاست او کاملا جنبه‏ استبدادی نداشت و احیانا در امور مهم با انجمنی‏ از بزرگان قوم و سران خاندان‏ها مشورت‏ می‏کردند.بزرگان خاندان‏ها وظیفه انتخاب‏ جانشین ریاست قبیله را بر عهده داشتند لیکن گاهی‏ بین فرزندان شیخ و برادرها و احیانا سایر نزدیکان‏ بر سر احراز این سمت،کشمکش در می‏گرفت و کار به جنگ و خونریزی می‏کشید.(5)

این نظام با ظهور اسلام تا حدی متزلزل شد، پیامبر بزرگوار اسلام(ص)در مدینه نظام سیاسی‏ نوینی پدید آورد.ایشان دو قبیله اوس و خزرج را با یکدیگر آشتی داد و پیمان اخوت بین آنها برقرار ساخت.

حکومت نوبنیاد براساس وابستگی‏های عقیدتی‏ بر پا شده بود و در نوع خود در آن سرزمین بی‏نظیر بوده.فتح مکه دامنه حکمرانی اسلام را گسترده‏تر ساخت و شکل جدی‏تری به خود گرفت.اما رحلت پیامبر بزرگوار اسلام(ص)جریان امور را به گونه‏ای دیگر رقم زد.

هنگامی که حضرت امام علی(ع)و عده‏ای از نزدیکانش پیامبر(ص)را به خاک می‏سپردند عده‏ای از انصار و مهاجر در سقیفه بنی ساعده گرد آمدند و ابو بکر را به عنوان جانشین رسول الله‏ انتخاب کردند.ابو بکر بدعت‏هایی در دین پدید آورد که زمینه ساز بدعت‏های بعدی شد.(6)

ابو بکر قبل از مرگش،عمر بن خطاب را به‏ جانشینی خود منصوب می‏کند.عمر بدعت‏های‏ بیشتری بر جای می‏گذارد.(7)

به ویژه آن که در خلافت وی بود که بیت المال‏ در میان مردم با تفاوت تقسیم شد.(8)

این امر بعدا در میان مسلمانان اختلاف طبقاتی‏ عجیب و صحنه‏های خونین دهشتناکی به وجود آورد.در زمان وی،معاویه در شام با رسومات‏ سلطنتی کسری و قیصر حکومت می‏کرد و خلیفه‏ او را کسرای عرب می‏نامید و متعرض حالش‏ نمی‏شد.پیوستگی فتوحات،گستردگی غنائم و بی‏توجهی حکام به تربیت اصیل دینی مردم از مهمترین عوامل زمینه ساز فساد در این دوره بودند. (9)

عمر شورایی شش نفره برای انتخاب جانشین‏ خود تعیین می‏کند و در این شورا عثمان به عنوان‏ خلیفه سوم انتخاب می‏شود.

این شورا هوی و هوس مردم را برای چنگ‏ انداختن به منصب خلافت در بین قبایل عرب‏ برانگیخت.(10)

روح قبیله گرایی از این زمان دوباره احیا شد. به ویژه در نیمه دوم حکومت عثمان،تنش‏های‏ قبیله‏ای در بطن دستگاه خلافت به اوج خود رسید. همچنین وی در عهد خلافت خود خویشاوندان‏ اموی خود را بر مردم مسلط ساخت و زمام امور را به ایشان داد.به عبارتی دیگر او وفاداری‏های‏ خانوادگی را بر معیار شایستگی ترجیح می‏داد. عثمان توزیع ناعادلانه ثروت را به حد افراط رسانید.(11)

دستگاه خلافت در عهد عثمان رنگ تجمل و دنیا طلبی به خود گرفت و به گفته امام علی(ع)، عثمان روش استبدادی را پیشه خود ساخت و همین‏ امر سبب نابودی او شد.(12)

\*حاکم و مردم از حقوق متقابل‏ برخوردارند و رعایت این حقوق‏ سبب نظم و آرامش خواهد شد و نیز لزوم پایندگی دولت و نظام‏ سیاسی صالح به رعایت دقیق‏ این حقوق بستگی دارد.

از این رو توده‏های مردم از تمامی بلاد فریاد اعتراض سر دادند و اجتماع معترضین در مدینه به‏ قتل عثمان انجامید.

دلایل پذیرش خلافت

پس از قتل خلیفه سوم،مردم به سوی امام علی‏ (ع)هجوم آورده و با اصرار با ایشان بیعت کردند، هر چند که به مدت 25 سال،عده‏ای خلافت بر حق امام علی(ع)را غصب کردند و ایشان را خانه‏ نشین کردند،امام علی(ع)به آنها پشت نکرد و این‏ بار ایشان به واسطه وظیفه الهی و خواست مردم‏ خلافت را می‏پذیرند:«آگاه باشید،سوگند به‏ خدایی که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد اگر حاضر نمی‏شدند آن جمعیت بسیار برای بیعت با من و یاری نمی‏دادند که حجت تمام شود و عهدی‏ که خدای تعالی از علما و دانایان گرفته تا راضی‏ نشوند،بر سیری ظالم و گرسنه ماندن مظلوم هر آینه ریسمان و مهار شتر خلافت را بر کوهان آن‏ می‏انداختم.»(13)

حضرت امام علی(ع)برنامه نوسازی سیاسی‏ خویش را اعلام می‏دارد:«آگاه باشید،گرفتاری که‏ شما مردم هنگام بعثت پیامبر خدا داشتید امروز دوباره به سوی شما برگشته و دامنگیرتان شده است‏ باید درست زیر و رو شوید و صاحبان فضیلت که‏ عقب افتاده‏اند پیش افتند و آنان که به ناروا پیشی‏ گرفتند عقب افتند.»(14)

حاکمیت نظام سیاسی

حاکمیت نظام سیاسی از آن خداوند است زیرا او مالک و صاحب اختیار همه ما می‏باشد:

«و جز این نیست که من و شما بنده و مملوکیم‏ در اختیار پروردگاری که جز او پرورش دهنده‏ای‏ نیست.مالک و صاحب اختیار است از ما آنچه را که خودمان در آن اختیاری نداریم...(15)

از این جهت حکومت به مثابه امانت الهی‏ خواهد بود و حاکم نمی‏تواند براساس میل و خواسته خود عمل کند.

نفی نظام استبدادی

امام علی(ع)منبع مشروعیت حکومت را خداوند می‏داند و از طرف دیگر نظام استبدادی را نفی می‏کند.ارباب کلیسا و همچنین برخی‏ فیلسوفان اروپایی،نوعی پیوند تصنعی میان اعتقاد به خدا از یک طرف و سلب حقوق سیاسی و تثبیت‏ حکومت‏های استبدادی از طرف دیگر برقرار کردند و طبعا نوعی ارتباط مثبت میان دمکراسی و بی‏خدایی فرض شد.(17)

امام علی(ع)چنین ارتباطی را مردود می‏شمارد.زیرا حاکم در نظام سیاسی اسلام تابع‏ قانون یعنی قرآن و سنت می‏باشد.او نمی‏تواند پای‏ خود را فراتر از قانون بگذارد.«...در این امر مهم من برای خود،از راه هوای نفس حکم نکردم، بلکه من و شما در دست داریم احکامی را که رسول‏ خدا(ص)آورده و آنها را برقرار کرده است و در آنچه که خداوند تقسیم و تعیین به آن دستور داده و حکم خود را در آن امضا فرموده...»(18)

پاسخگویی حکومت

از دیدگاه امام علی(ع)حاکم تنها در برابر خداوند مسوول نیست،بلکه باید در برابر مردم نیز مسوول و پاسخگو باشد.در متون سیاسی و اقتصاد سیاسی،منظور از پاسخگویی این است که‏ کارگزاران و مسوولین یک جامعه مطلع باشند و احساس کنند که مسئولیت سنگینی بر دوش دارند و زمانی باید نسبت به عملکردهای خود پاسخ‏ دهند.امام علی(ع)در این باره می‏فرمایند:«... و اگر رعیت به تو گمان ستمگری بردند عذر و دلیلت را برای ایشان آشکار کن و گمان‏های آنها را با آشکار کردن از خویشتن دور نما،زیرا در آن کار ریاضت و عادت دادن است به خود(عدل و انصاف‏ را)و مهربانی است به رعیت...»(19)

اصل مسوولیت مشترک حاکم و کارگزار

مولای متقیان امام علی(ع)اصل مسوولیت‏ مشترک حاکم و کارگزاران در برابر مردم را مطرح‏ می‏سازد.بر این اساس حاکم باید نظارت دقیقی بر کارگزارانش داشته باشد،زیرا مسوولیت عواقب‏ عمل کارگزار فقط بر عهده خود او نیست و حاکم‏ نمی‏تواند از عواقب خطای مامورانش مبرا باشد. امام علی(ع)به عبد الله بن عباس،حاکم بصره‏ می‏گوید:«...پس ای ابو العباس خدا تو را بیامرزد در نیک و بدی که بر دست و زبان تو جاری‏ می‏شود،(در گفتار و کردارت با رعیت)مدارا کن، زیرا ما در گرفتار و کردارمان با هم شریکیم(چون تو از جانب من حکم می‏رانی)...»(20)

حقوق متقابل حاکم و مردم

حاکم و مردم از حقوق متقابل برخوردارند و رعایت این حقوق سبب نظم و آرامش خواهد شد و نیز لزوم پایندگی دولت و نظام سیاسی صالح به‏ رعایت دقیق این حقوق بستگی دارد«...حال‏ رعیت نکو نمی‏شود،مگر به خوشرفتاری‏ حکمفرمایان و حال حکمفرمایان،نیکو نمی‏گردد مگر به ایستادگی رعیت در انجام دستور ایشان.پس‏ هرگاه رعیت حق والی و والی حق رعیت را ادا کرد،حق در بین ایشان ارجمند و قواعد دینشان‏ برقرار و نشانه‏های عدل و درستکاری برپا و سنت‏ در مواضع خود جاری گردد و بر اثر آن روزگار اصلاح شود و به پایندگی دولت و سلطنت امید می‏رود...»(21)

علاوه بر این فضای انتقاد از عملکرد حکومت‏ باید ایجاد شود و به افکار عمومی توجه کامل شود تا مردم بی‏مهابا نظرات خود را بیان کنند.(22)

انتخاب افراد براساس توانایی‏ها(معیار شایستگی)

یکی دیگر از ویژگی‏های بارز نوسازی سیاسی، تاکید بر شایسته سالاری و کنار نهادن معیار افراد براساس وفاداری است.از نظر امام علی(ع) حاکمان باید براساس صلاحیت و شایستگی‏ انتخاب شوند.(23)

حتی کارگزاران حکومت باید براساس معیار شایستگی انتخاب شوند و حاکم نباید وفاداری‏ شخصی و خویشاوند گرایی یا معیار انتسابی را مدنظر قرار دهد.امام علی(ع)در گفت و گویی‏ با خلیفه سوم از خویشاوند گرایی عثمان انتقاد می‏کنند.عثمان در پاسخ به ایشان می‏گوید آیا تو نیز در جایگاه من چنین اقدامی نخواهی کرد، مگر آنان خویشاوندان تو نیستند و حق‏ خویشاوندی را در نظر نمی‏گیری؟امام علی(ع) در پاسخ می‏فرماید:«من با آنان پیوند نزدیک‏ دارم ولی دیگران برای تصدی کار از آنان‏ سزاوارترند.»(24)

عدالت و برابری

عدالت و برابری ویژگی دیگر نوسازی است. امام علی(ع)همه مردم را برابر می‏دانند.امام علی‏ (ع)در فرمانش به مالک اشتر نخعی می‏نویسد: «مردم یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش مانند تو می‏باشند.»(25)

تجلی اندیشه امام علی(ع)در توزیع عادلانه‏ ثروت می‏باشد.(26)

حکمرانان نه تنها نباید در مصرف بیت المال‏ سوء استفاده کنند،بلکه باید ثروت عمومی را عادلانه تقسیم کنند همچنین امام علی(ع)توزیع‏ مجدد ثروت را در برنامه کار خویش قرار دادند و این امر مخالفت‏های شدیدی را از سوی بنی امیه‏ منجر شد.امام علی(ع)در اولین روزهای خلافت‏ خود دستور دادند که از قطائع(زمین‏هایی که به‏ بیت المال تعلق دارد و امام می‏تواند آنها را در اختیار مسلمانان نیازمند و سزاوار از هر جهت برای‏ بهره‏برداری واگذار کند نه این که ملک آنها نماید بلکه باید سالانه خراج اندکی دریافت کند)خلع ید شود و شترهای قیمتی که از مال صدقه بود و عثمان‏ آنها را به تصرف خود در آورده بود به بیت المال‏ باز گردد.این اقدام امام علی(ع)درباره اموال و قطائع عثمان،بنی امیه را به هیجان آورد تا جایی که‏ آثار شومی در پی داشت.(27)

به جرات می‏توان گفت که سبب جنگ اول، جنگ جمل،غائله طبقاتی بود که از زمان خلیفه‏ دوم در تقسیم ناعادلانه بیت المال پیدا شده بود.

نتیجه گیری

ما در مبحث نوسازی سیاسی خاطرنشان‏ ساختیم که دگرگون سازی ارزش‏های سنتی و الگوهای رفتاری،گسترش دامنه وفاداریها از خانواده،دهکده،قبیله به ملت،عقلایی کردن‏ ساختار اقتدار،جایگزین‏سازی معیارهای‏ دستاوری یا شایسته سالاری به جای معیارهای‏ انتسابی و روی آوردن به یک نظام برابرانه توزیع‏ منابع مادی از جمله شرایط نوسازی سیاسی‏ محسوب می‏شوند.آنگاه گفتیم که پیامبر اسلام‏ (ص)تغییراتی را در معیارهای جامعه سنتی ایجاد کردند.ایشان قبیله گرایی را به کناری نهادند و معیار شایستگی را جایگزین آن ساختند.

اما متاسفانه در دوره خلفا بدعت‏هایی پدید آمد که به تعبیری رجعت به معیارهای جامعه سنتی قبل‏ از اسلام بود.در دوره خلفا توزیع نابرابرانه ثروت، قبیله گرایی و خویشاوندگرایی پدید آمد و حکام‏ روش مستبدانه‏ای را در پیش گرفتند.حضرت امام‏ علی(ع)با پذیرش خلافت بر آن شدند تا تغییراتی‏ در وضعیت موجود ایجاد کنند.ایشان اساس‏ حاکمیت سیاسی مبتنی بر استبداد را رد کردند. اصل پاسخگویی حکومت مسئولیت مشترک حاکم‏ و کارگزار،حقوق متقابل حاکم و مردم،انتخاب‏ افراد براساس توانایی و عدالت را تبیین و اجرا کردند.

امام علی(ع)نظریاتی ارائه دادند که می‏توان آن‏ را با برخی معیارهای نوسازی سیاسی قرن حاضر منطبق دانست.گسترش دامنه وفاداری‏ها از خانواده،دهکده و قبیله به ملت،شایسته سالاری، توزیع برابر منابع مادی از وجوه مشترک و عمده‏ نوسازی سیاسی در نظریات جدید و دیدگاه‏های‏ امام علی(ع)می‏باشند.هر چند که ایشان مبادرت‏ به نوسازی نظام سیاسی زمان خود کرد اما در دوره‏ کوتاه خلافت امام علی(ع)و ریشه‏های نیرومند جامعه سنتی نظیر قبیله گرایی باعث شد تا این‏ تلاش‏ها در عمل به طور کامل پیاده و قرین موفقیت‏ نشوند.

(1)-هانتیگتون،ساموئل،سامان سیاسی در جوامع دستخوش‏ دگرگونی،محسن ثلاثی،بی‏جا،نشر علم،1370،ص 53

(2)-هانتینگتون،پیشین،ص 205

(3)-ونیر،مایرون،نوسازی جامعه،بی‏جا،بی‏نا،بی‏تا،ص 1

(4)-قوام،عبد العلی،توسعه سیاسی و تحول اداری،تهران،قومس، 1371،ص 111

(5)-باهنر،محمد جواد و هاشمی رفسنجانی،اکبر،جهان در عصر بعثت،بی‏جا،دفتر نشر فرهنگ اسلامی،1362،ص 11

(6)-ابو بکر خمس را از اهل بیت و خویشان پیغمبر اکرم برید و نوشتن‏ احادیث پیغمبر اکرم(ص)به کلی قدغن شد و اگر درجایی حدیث مکتوب‏ کشف یا از کسی گرفته می‏شد آن را ضبط کرده و می‏سوزانیدند.طباطبایی، محمد حسین،شیعه در اسلام،قم،دفتر انتشارات اسلامی،1375 ص 5- 34

(7)-عمر تعدادی از مواد شریعت را مانند حج تمتع،نکاح متعه و گفتن‏ حی علی خیر العمل در اذان ممنوع ساخت.طباطبائی،پیشین،ص 36

(8)-عمر پس از رسیدن به خلافت در تصرف بیت المال هم اجتهاد کرد که دیگر لازم نیست در تقسیم آن مساوات رعایت شود براساس معیار:سابقین‏ در اسلام،طایفه قریش نزدیکترین‏ها...به تقسیم بیت المال پرداخت... و بر این اساس روش تبعیض آمیز را در پیش گرفت.(شهیدی،سید جعفر، علی از زبان علی یا زندگانی امیر المومنان علی(ع)،تهران،دفتر نشر فرهنگ‏ اسلامی،1376،ص 233)

(9)-جعفریان،رسول،حیات فکری و سیاسی امامان شیعه،بی‏جا، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی،1372،ص 58

(10)-شمس الدین.محمد مهدی،نظام حکومت و مدیریت در اسلام، سید مرتضی آیت الله زاده شیرازی،تهران،انتشارات دانشگاه تهران، 1375،ص 237

(11)-نوشته‏اند مال فراوانی از بیت المال به یکی از خویشاوندانش‏ بخشید.اما مسوول بیت المال که این مبلغ را بسیار می‏دانست،نپرداخت، عثمان بر او سخت گرفت ولی او نپذیرفت،عثمان به او گفت:به حسابت‏ خواهم رسید...تو خزانه‏دار ما هستی.وی گفت:خزانه‏دار تو یکی از خادمان تو است من خزانه‏دار مسلمانانم،آنگاه کلیدهای بیت المال را آورد و بر منبر پیغمبر آویخت و به خانه‏اش رفت(شهیدی،پیشین،ص 4-53)

(12)-فیض الاسلام سید علی نقی،ترجمه و شرح نهج البلاغه،تهران، مرکز نشر فیض الاسلام،1365،ص 105

(13)-فیض الاسلام،پیشین،ص 52

(14)-طباطبایی،پیشین،ص 1-40

(16)-از توصیه‏های امام علی(ع)به اشعث بن قیس حاکم آذربایجان: عمل تو رزق و خوراک نیست(تو را حکومت نداده‏اند تا آنچه بیابی از آن‏ خود پنداشته و بخوری)ولی آن امانت و سپرده‏ای در گردن تو است...و خواسته‏اند که تو نگهبان باشی برای کسی که از تو بالاتر است.تو را نمی‏رسد که در کار رعیت به میل خود رفتار کنی...پیشین ص 658

(19)-پیشین،ص 1027

(20)-پیشین،ص 869

(21)-پیشین،ص 2-1021

(23)-پیشین،ص 559

(24)-شهیدی پیشین،ص 56

(25)-فیض الاسلام،پیشین،ص 994

(26)-پیشین،ص 391

(27)-علامه حائری،علی،زندگانی سیاسی امام علی امیر المؤمنین‏ علیه السلام،تهران،نشر رامین،1377،ص 220

گمان

چون نیکوکاری بر زمانه و مردم آن‏ غالب آید و کسی به دیگری گمان بد برد،که از او فضیعتی آشکار نشده، ستم کرده است و اگر بدکاری بر زمانه و مردم آن غالب شود و کسی‏ به دیگری گمان نیک برد خود را فریفته است.

علی علیه اسلام